

گردش هیئت باستان شناسی

موزه تاریخ طبیعی امریکا در سیستان افغانی

دراثر مراجعات مکرر موزه تاریخ طبیعی امریکا به سفارت کبرای افغانی در واشنگتن و یک سلسله مفاهمه‌هایی که با واسطه با وزارت معارف بعمل آمد نظر به آرزویی که افغانستان در انبساط روابط فرهنگی با جهان علم دارد و احتیاج مبرمی که در بسط تحقیقات قبل تاریخ و کشف مراتب تمدن اولیه بشری در سلسله تفحصات باستان شناسی کشور احساس میشد بالاخره وزارت معارف به ورود هیئت عتیقه شناسی از طرف موزه مذکور به کابل موافقت نمود این هیئت که بشمول مدیر آن مستر فیروزیس مرکب از سه نفر بود در هفته دوم ماه اگست ۱۹۴۹ (اوائل اسد) ۳۲۸ وارد کابل شده و بعد از تماس و تبادل افکار با اولیای امور وزارت معارف بدون اینکه عجالاً موضوع کدام امتیاز حفريات در میان باشد به هیئت مذکور بطول جو از اقامت سه چهار ماهه در افغانستان و اجازه مسافرت و گردش و تحقیقات را قوی‌خاکی در سیستان افغانی بخصوص در حوزه سفلی هیرمند داده شد. آرزوی هیئت باستان شناسی موزه تاریخ طبیعی امریکا این بود تا در سیستان افغانی در زمینه قبل تاریخ مطالعاتی بعمل آرد و درین گوشه کهن خاک آسیا مراتب اولی تمدن بشری و مظاهر مادی آنرا مکتشف سازد.

قراریکه همگان اطلاع دارند هیئت حفريات فرانسوی بار اول در ۱۹۳۶ در سیستان افغانی در خرابه‌هایی که از بقایای زرنج پایتخت قدیم سیستان نمایندگی میکنند در دو تپه‌ئی موسوم به (سرخ داغ) و (سفید داغ) که یکی آن تقریباً ۳۱ متر از سطح زمین ارتفاع دارد حفريات مقدماتی را شروع نموده و به اساس

راپورتی که موسیو گیرشمن به موزه کابل فرستاده و در مطبوعات افغانی نشر شده است مظاهر هزار سال اول مدنیت قبل التاریخ از دم متر اول حفریات یکی از تپه های مذکور بظهور رسید و انتظار میرفت که با ادامه کار و حفز ۲۱ متر دیگر تپه و پیاپی آن ترا سطح جلگه آثار و شواهد مدنیت های سه، چهار هزار سال ق م کشف شود و مسئله ارتباط مدنیت عصر کلسکولی تیک که شواهد آن از حوزه سند، بلوچستان، خاک های ایران و اراضی سواحل راست آمو دریا کشف شده است عملاً ثابت گردد متأسفانه چیزی بعلا مشکلات جوی (حرارت و باد شدید که کمتر در ظرف سال وقت مساعد برای کار باقی میماند و کمی آب) و رسیدن جنگ دوم جهانی تحقیقات مزید در نقاط مذکور به تعویق افتاد.

به این اساس پیشنهاد و نظریات هیئت باستان شناسی موزه تاریخی طبیعی امریکا مبنی بر تحقیقات در زمینه قبل التاریخ سیستان افغانی مورد توجه واقع شده و آنها در طی یک و نیم ماه گردش خود از روی شواهد روی خاکسی و وضع و ساختمان تپه ها و کشف بعضی ادوات سنگی راپورتی به موزه کابل داده اند بسیار خاص که در انتظار شواهد علمی و مطالبی که در آینده خواهد رسید به رئیس مطالب آن اشاره میکنیم مع علوم انسانی

هیئت مذکور بین کرشک و فراه و چقان سوره در ناحول دشت مرگو و در داخل آن با موتور جیپ در حدود ۶ هزار میل گردش نموده و در نتیجه (۶۰) نقطه را (از قبیل تپه، تل، پشته، مغاره و غیره) تعیین کرده اند که از روی شواهد معینه جزء اماکن قبل التاریخ محسوب شده میتواند. چون استقرار بشر در مراتب اولی در یک منطقه با ظهور و دوام و ختم یخچال ها ارتباط دارد به اساس مطالعات طبقات الرضی و از روی بعضی ادوات کوسک سنگی که بدست آمد مراتب زندگی انسانی بشری در اخیس دوره پاله اولی تیک (یعنی دوره قدیم حجر) و آثار دوره نیرلی تیک (یعنی دوره جدید حجر) در خاک های جنوب غربی افغانستان تثبیت یافت.

البته این نظریات سراسر متکی به تحقیقات روی خاک‌پی است و وزش باد شدید که دائماً شکل قشر سطحی زمین را عوض میکند اشکالاتی وارد کرده معذالک قرار این را بورت مختصری که در دست است احتمال قوی می‌رود که در اخیر دوره قدیم و در طی جریان دوره جدید جگر حوزه سفلی هیر مند مسکون بوده و مراتب تمدن سنگی بشری را دیده است .

بعد از مراجعت هیئت مذکور به امریدنا بعضی روز نامه هامل (نیو یورک تایمز) و (واشنگتن پست) و غیره تحت عناوین مختلف « شهر مفقود و کشف آن در دشت مرگو » و « کشف شهر بزرگ مفقود افغانی » و غیره مقالاتی نوشته و این موضوع آنرا آنقدر با خطوط درشت منتشر ساختند که اصل نقطه اساسی نظریات هیئت تقریباً در میان رفت و او از کشف شهر مفقود در تمام مطبوعات بین‌المللی منعکس شد. خلیص مندرجات این مقالات این است که در دشت مرگو هیئت عمیقۀ شناسی امریکائی در حالی که چندین روز در تجسس آب بودند ناگهان خرابه‌های شهر بزرگی را کشف نمودند به طول ۶ میل و عرض ۵ میل و سطح ۳۰ میل مربع بادبوارها و حصار و بسروج که در حدود ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشت و معاصر جنگ‌های صلیبی ویران شد و عبارت از شهر (پشاوران) می‌باشد علوم انسانی

شبهه‌ئی نیست که سیستان افغانی از زمانه‌های بسیار قدیم تا زمان هجوم و خراب کاری‌های تیمور لنگ که بالاخره با بستن نهرهای آبیاری و ویران کردن سد های آب مردم را وادار به تسایم ساخت قطعه خاک سر سبز و شاداب بود چنانچه بعضی مدققین اروپائی آنرا به صفت « باغ آسیا » یاد کرده‌اند و از نزدیکی‌های فراه گرفته تا سواهل هامون پیوسته یک سلسله خرابه‌هایی افتاده که میزان آبادانی این جارا ثابت می‌سازد. درین گوشه مملکت شهرهای آباد بود که در متون قدیم پیش از اسلام و در ماخذ اسلامی از آن‌ها اسم برده شده و منجمه زرنج و پشاوران و بست شهرهای معروف آنست . مقصودم اینجا ثبوت مراتب آبادانی و نگراسمای شهرهای خورد و بزرگ

سیستان افغانی نیست بلکه میخواهم يك نکته كوچك را توضیح بدهم كه كشف شهر منقود بنام (پشاوران) اصلاً کدام وجه علمی ندارد و همه میدانیم كه پشاوران چه بود و وجود خرابه های آنرا در كجا احتمال میدهند چنانچه نویسندگان مابدر مقالات خورد كم و بیش ازین مطالب صحبت کرده و نام و نشان (پشاوران) و خرابه هائی كه بدان نسبت میدهند بر ما مجهول نیست.

بنده میخواهم نظر به ارتباط وظیفه بعد از رسول گتنگ های اخبار امریکائی درین موضوع توضیحاتی بدهم و اصل قسمت تحقیقات علمی هیئت امریکائی را از جنبه های روابطك مجزا سازم درین میان خوشبختانه مکتوبی كه بتاريخ ۱۱ نوامبر مستر فیر سرویس مدیر هیئت امریکائی نوشته به موزه كابل رسید و معلوم شد كه نامه برده عین این نظریات را تائید میکند و خود او هم از اینکه بعضی از روز نامه های امریکائی جنبه های علمی تحقیقات او را گذاشته و به فروعات متوجه شده اند اظهار تأسف میکند و خاطر نشان میسازد كه چنین مردم امریکا به روان و حوادث سفری بیشتر علاقمند اند برای سرگرمی مزید خوانندگان خود سعی می ورزند كه تحقیقات علمی بیشتر جنبه روان و افسانه بگیرد برای اینکه این مطالب در نظر خوانندگان آن زبانها روشن باشد و در مراتب تحقیقات باستان شناسی اشتباهی نشود باین مختصر تذكر مبادرت شد.

احمد علی كهزاد